



نگاهی به کتاب‌هایی که نشر اطراف به بهانه محرم منتشر می‌کند

برای حسین (ع)

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ
انتشارات اطراف به رسم هر ساله، مجموعه عاشورایی جدیدی را در آستانه ماه محرم منتشر و روانه بازار کرده است. این

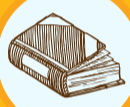
مجموعه که پنجمین جلد از مجموعه «کاشوب» به شمار می‌رود، با عنوان «مهمان‌گاه» منتشر شده است. در گزارش امروز هم معرفی‌ای از کتاب‌های قبلی نشر اطراف با این موضوع داریم و هم این کتاب جدید را آورده‌ایم. این کتاب‌ها مشتمل بر روایت‌هایی از آدم‌های امروزی است، که از عاشقی و سرسپردگی به حسین (ع) می‌گویند.

مهمان‌گاه

مجموعه عاشورایی جدید نشر اطراف، با عنوان مهمان‌گاه منتشر شده است. در معرفی این کتاب آمده است: «وقتی میرزا محمد تقی مامقانی در شرح میدان رفتن علی اکبر نوشت «من ز بهر دادن جان می‌روم، سوی مهمان‌گاه جانان می‌روم» احتمالاً با پیوند «گاه» می‌خواست اسم مکان بسازد. ولی اگر محمد تقی، مخلص به نیر تیزی، در سحرگاهی در سنه ۱۲۷۱ گاه را پیوند زمان گرفته باشد، تصویر مهمان‌گاه در شعرش تکان دهنده‌تر از اسم مکان می‌شود؛ موسم مهمان، مقام مهمان، وقتش. وقت حسین، وقتی که با هم وعده داشتند. گاه پیوند مشترک زمان و مکان، برای عاشورا، برای واقعه‌ای که هیچ وقت نمی‌فهمیم اتفاقی در زمان بوده یا در مکان، چقدر درست است؛ پسوندی سرگردان میان زمان و مکان برای محرم که هیچ وقت نمی‌فهمیم مثل زمان در حرکت به ما رسیده یا مکانی است که به آن رسیده‌ایم.»

مهمان‌گاه روایت این گاه غریب است در زندگی امروز ایران. ۱۵ نفر از عاشورایی نوشته‌اند که بر آنها گذشته است. از دریافت‌ها و خاطراتشان، از محرم‌های دور و نزدیک و اندوه هر ساله در همین کوچه‌ها و خانه‌های دور و بر. در مهمان‌گاه ۱۵ نویسنده از نسبت امروز خودشان با واقعه سال ۶۱ هجری نوشته‌اند. نویسندگان این کتاب سبک زندگی، شغل و دغدغه‌های متفاوتی دارند و فارغ از نسبت‌شان با عاشورا و عزای حسینی، با جسارت و شهامت قلم به دست گرفته‌اند و بی‌پرده‌پوشی از باورها و تردیدها، سنت‌ها و سنت‌شکنی‌ها، امیدها و ناامیدی‌ها، قهرها و آشتی‌ها، پیوستن‌ها و بریدن‌ها، و ثبات‌ها و تغییرهایشان در گذر زمان نوشته‌اند. گاه شیفتگی‌ای است که از اینجا و آنجای متن بیرون می‌زند، گاه استیصال حاصل از نیافتن پاسخ، و گاه نیاز به شنیدن گزارش عبور از مصیبتی عظیم به امید یافتن راه‌هایی.

بعضی متن‌ها «آن» تکان دهنده‌ای به تجربیات خواننده می‌افزایند و بعضی او را در وادی پرسش‌های بنیادین آدمی رها می‌کنند. مهمان‌گاه کتاب پنجم مجموعه «کاشوب» است. مجموعه‌ای که هر سال در آستانه محرم منتشر می‌شود. کاشوب، رست خیز، زان تشنگان و رهیده چهار کتاب دیگر این مجموعه هستند. انتشارات اطراف در باب اهمیت انتشار مجموعه کاشوب آورده است: «ثبت پیوستار گسترده و متنوع تجربه دینی در عزای حسینی از این‌ نظر اهمیت دارد که این تجربه در هیچ زمان و مکانی، مختص گروهی خاص نبوده و نخواهد بود و به همین دلیل بستر مهمی است برای برقراری ارتباط میان دیدگاه‌های مختلفی که این روزها، با تعدد سبک‌های زندگی، مانند جزیره‌هایی تک‌افتاده از هم دور و دورتر می‌شوند. با همین هدف هم در ۹۶ جمع‌آوری روایت‌های کاشوب را آغاز کردیم و روایت‌هایی



با حال و هوای متفاوت از فیلم‌سازی در پایتخت تا معلمی در جنوب کشور، کشاورزی در شرق ایران و... را کنار هم قرار دادیم. حاصل تلاش‌های نشر اطراف در این زمینه پنج کتاب، یک ویژه‌نامه دیجیتال و مجموعه‌ها و پنج روایت است که طی شش سال منتشر شده است. حسن اجرایی، آمنه اسماعیلی، محمد رضا امانی، فاطمه بهروز فخر، علی پیر حسین لو، زهره ترابی، مهدی حمیدی پارسا، مهتری رحیم‌زاده، مصطفی سلیمانی، مکرمه شوشتری، رضا صدیق، زهرا صنعتگران، زهره عواطفی حافظ، فاضل فروتن، فاطمه قابل و علیرضا محبی از نویسندگان مجموعه مهمان‌گاه هستند.



زان تشنگان

در خاطرات خیلی از ما یک سوم شخص پنهان هست که بخش زیادی از نسبت امروزمان با محرم و عاشورا را مدیون اویم. سوم شخص‌های پنهان گاهی مادر بزرگ و پدر و پدربزرگند، گاهی استاد و غریبه‌ای رهگذر. معمولاً شخصیت‌های پیچیده، فن بیان قوی یا توانایی منحصر به فردی ندارند، فقط ارادت واقعی دارند و مهارت و شگردشان همین صداقت‌شان است. تنها ویژگی خارق‌العاده آنها این است که سوم شخص عاشقند. شاید در هیاهوی روزمرگی میزان دل‌بستگی و حرارتی که به ما منتقل کرده‌اند و عمق تأثیرشان در زندگی‌مان را فراموش کرده باشیم ولی وقت نوشتن متنی درباره ارتباط خودمان با روضه و عزای خاطرات این اثرگذاران بی‌ادعا برمی‌گردد و علاقه و نشانه‌هایی که در ما جا گذاشته‌اند، متن را پر می‌کند. شاید به خاطر همین است که بیشتر روایت‌های کتابی که در دست دارید ماجرای سرایت دل‌بستگی است و قصه دست‌به‌دست شدن سرسپردگی. در کتاب زان تشنگان بیست و چهار نفر از اتفاق‌ها و سوم شخص‌هایی نوشته‌اند که نسبت آنها را با رخداد سال ۶۱ هجری تغییر داده‌اند. ۲۴



رحیده

از مجموعه‌ی کاشوب است؛ مجموعه‌ای که بنا دارد اگر خدا بخواید هر سال از منظری دیگر و آدم‌هایی دیگر به حال و هوای امروز ما و روضه‌ها نگاه کند. در این کتاب ۱۸ نفر از گروه‌های مختلف اجتماعی با گرایش‌های فکری متفاوت درباره رابطه خودشان و محرم نوشته‌اند. تفاوت سبک زندگی و دغدغه‌های نویسندگان باعث شده که هر کدام از زاویه‌ای به این ماجرا نگاه کنند. محرم در اردوگاه‌های رژیم بعث، سفر اربعین با مسافری کانادایی، عزاداری پاکستانی‌ها در حاشیه پایتخت، آماده کردن یک تعزیه به همراه کودکان روستایی در تربت حیدریه، گشت و گذار توریستی در مجالس سخنرانی پایتخت و سفر غیرقانونی به عراق بخشی از موضوعات متفاوتی است که در کتاب چهارم مجموعه کاشوب روایت شده است.

«شاید هیچ وقت نشود فهمید عاشقانه‌های گرم حسینی، روضه‌خوانی‌های سوزناک و ابراز ارادت‌های شاعرانه و آتشین، پیش حضرت پذیرفته‌ترند یا روایت دست‌های لرزان جوانی که اعتراف می‌کنند همه زندگی تلاش کرده‌اند با محرم و کربلا ارتباط بگیرند ولی هنوز در سرنزد؛ هنوز گوشه خودشان را در این واقعه نیافته‌اند. کسی چه می‌داند کدام‌شان به لمس روح کربلا نزدیک‌ترند. برای ما که روایت‌های کتاب را جمع می‌کنیم، اتفاق غافلگیرکننده همیشه آنجاست که به نیت زلال و کوشش بی‌منت این جست‌وجوگران مردد و گوشه‌نشینان عزاداری برمی‌خوریم. حتی اگر نوشتن خیلی برایشان سخت باشد، دل‌شان می‌خواهد در کاری مربوط به حسین علیه‌السلام سهیم باشند و به بهترین شکل نقل تنهایی‌شان در محرم را بنویسند. در پیشکش آوردن شرح شک‌ها و فاصله‌ها، در اعتراف به دور بودن و در ثبت برداشته‌ها و تجربه‌های نامطمئن و سرگردان‌شان همان قدر مصمم و مخلصند که پدران‌شان در هدیه کردن برنج و زعفران و کتیبه و پرچم به هیات، رهیده کتاب چهارم



کاشوب

در مقدمه‌اش آمده است: «نویسندگان دعوت شده‌به کاشوب همه تلاش کرده‌اند گزارشی صادقانه و عینی از روضه‌هایی زندگی شده بدهند. روایت‌های واقعی و مستند از نسبت نسل‌های متفاوت امروز با واقعه سال ۶۱ هجری. این کتاب تلاش کرده تا با توجه به گستره و تنوع زاویه دید نویسندگان، به یک اتفاق واحد در خود دست پیدا کند و مخاطب خود را از وحدت موجود در متن بهره‌مند کند. به همین خاطر در این کتاب از سویی لحن‌ها و روایت‌های مختلف هر یک طعم خاص خود را دارند و از سوی دیگر اثر راوی تجربه واحدی است که شبیه هیچ‌یک از تجربه‌های حاضر در متن کتاب نیست.» کاشوب حجم عجیبی از اتفاقات بسیار خوب را در خود رقم زده و شامل ۲۳ روایت از نویسندگان مختلف با دیدگاه‌های متفاوت است که درباره نسبت خودشان و محرم نوشته‌اند. روایت‌ها به زبانی روشن و ساده نوشته شده‌اند و هر کدام طعم و لحن اقلیم یا فکری را دارند که نویسندگان در آن رشد یافته‌اند. دغدغه‌های متفاوت هر کدام از نویسندگان، روایت‌شان را منحصر به فرد کرده و یکتاخوانی را از کتاب گرفته است، اما وقتی وارد روایت‌ها می‌شوی، حس می‌کنی هر روایت به دنبیلی غیر از روایت دیگر تعلق دارد. این پراکنده‌گی را جز در یک چیز، یعنی پایبندی به روایت واقعی، در بقیه موارد می‌توان دید؛ از سبک روایت و اینکه مثلاً راوی



رست‌خیز

داستان شنونده‌هایی که از مجلس روضه، خرده‌ای اندیشه، اندکی شهود یا تغییری کوچک غنیمت می‌برند. در رست‌خیز ۲۴ نفر از تجربه‌هایی نوشته‌اند که در دل این سنت عزای و در همین کوچه‌ها و تکیه‌ها شکل گرفته و دریافت و برداشت تازه با خودش آورده است. کتاب رست‌خیز روایت محشر هر ساله است که هنوز هم رستگاری‌های کوچک و بزرگ می‌آفریند و ما را نو می‌کند. رست‌خیز، کتاب دوم از مجموعه کاشوب است. نویسندگان و مجموعه نشر اطراف که این دو کتاب را منتشر کرده‌اند، می‌گویند مجموعه کاشوب و رست‌خیز بنا دارد اگر خدا بخواید هر سال از منظری دیگر و آدم‌هایی دیگر به حال و هوای امروز ما و روضه‌ها نگاه کند. عادت شیعه به ثبت عاشورا در شکل موزون بوده است. ما اغلب ارتباط خودمان با این حماسه را منظوم شرح کرده‌ایم و روایت منظوم و قصه کمتر به این آستان عرضه شده‌اند.

کتاب «رست‌خیز»، روایت کرامت‌ها، شفا و معجزه‌های بزرگ نیست؛ شرح زنده شدن ذره‌ای از درون انسان در فراخوان هر ساله محرم است. هر سال غیر گریه‌کن‌های همیشگی، چند غریبه هم ناشیانه از کنار دیوار روضه و هیات می‌آیند تو و با کشف‌های بلا تکلیف، معذب از نگاه کنجکاو حاضران، گوشه‌ای یا پشت ستونی خودشان را جا می‌دهند. هر سال وسط روضه‌شنوهای حرفه‌ای که غم و عشق حسین را با شیر از مادر گرفته‌اند دیگرانی هستند که کتاب رست‌خیز کتاب این جست‌وجوگران است. رست‌خیز بیشتر از آن که روایت ارادت‌های گرم و سنتی به محرم باشد، شرح جست‌وجوی مردمانی است که آمده‌اند تا بفهمند چطور می‌شود تشنگی و نیزه و خون مهم نباشد؛ «کسی مر عقل را گوید کجایی؟» اشک‌هایی که از شوق یافتن حقیقت در گوشه چشم جمع می‌شوند این روزها کم شده‌اند و رست‌خیز، روایت فروریختن چشم‌ها در ثانیه روبه‌رویی با حقیقت است؛ «تری اعینهم فیض من الدم مما عرفوا من الحق.» این کتاب، روایت کرامت‌ها، شفا و معجزه‌های بزرگ نیست، شرح زنده شدن ذره‌ای از درون انسان در فراخوان هر ساله محرم است.